

Citizenship Rights of Investors in Securities Transactions

Sayyed Mohammad Aminzadeh*
Majid Rezaei Davani**

Received: 29/01/2018

Accepted: 20/04/2019

Abstract

The concept of "citizenship rights", despite its background in the ancient civilizations, is to be considered a new term that, with the definitions presented, covers a wide range of areas of life, including the political, social, economic, cultural, judicial and security fields. The most prominent economic activity is stock trading in stock markets and over-the-counter markets. The observance of citizenship rights will guarantee the health and efficiency of these markets. The question that arises is about the guarantee of enforcing citizenship rights in securities transactions and how investors in securities can ensure their rights. To answer this question, we have first clarified the case law of citizenship in securities transactions and then have analyzed the role of the Securities and Exchange Organization as a market leader in determining the guarantee of its implementation and application. Transparency of corporate information, benefitting from a fair market, prevention of violations and crimes, handling of complaints and litigation, are among cases of citizenship rights in securities transactions, which, as the case may be, lead to civil, disciplinary and criminal liability. The Stock Exchange Organization, as the capital market observer and by creating the necessary structures, has tried to provide the necessary foundation for the observance of citizenship rights of investors. Despite the efforts made, it seems that there are drawbacks that have put the attainment of citizenship rights at risk, requiring a review of the relevant regulations.

Keywords

Securities and Exchange Organization, Citizens' Rights, Disclosure of Information, Securities Transactions, Transparency Information.
JEL Classification: K22, K40.

* Assistant Professor, Tolou-e- Mehr Higher Education Institute, Qom, Iran (Corresponding Author). aminzadeh@toloemehr.ac.ir

** Assistant Professor, Mofid University, Qom, Iran. rezai@mofidu.ac.ir

حقوق شهروندی سرمایه‌گذاران در معاملات اوراق بهادار

سیدمحمد امین زاده*

مجید رضایی دوانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۳۸ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

مفهوم «حقوق شهروندی» علی‌رغم قدمتی که در تمدن‌های بشری داشته، از اصطلاحات جدیدی است که گستره وسیعی از حوزه‌های زندگی افراد را در بر می‌گیرد. در حوزه اقتصادی رعایت حقوق شهروندی ضامن سلامت و کارایی فعالیت‌ها است؛ یکی از بارزترین فعالیت‌های اقتصادی، معاملات اوراق بهادار است که در بورس و فرابورس واقع می‌شود. در این مقاله برآنیم تا پس از بررسی مبانی مکتبی حقوق شهروندی در بازارهای مالی به این سؤال پاسخ دهیم که آیا مقررات ناظر بر بازار سرمایه، مطلوبیت کافی را در حراست از حقوق شهروندی سرمایه‌گذاران در معاملات اوراق بهادار دارند؟ برای پاسخ به این سؤال مصادیق حقوق شهروندی در معاملات اوراق بهادار را تبیین نموده و نقش «سازمان بورس و اوراق بهادار» به‌عنوان رکن ناظر بازار سرمایه در تعیین ضمانت اجرای آن را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. شفافیت اطلاعات شرکت‌ها، بهره‌مندی از بازار منصفانه، کارا و شفاف، پیشگیری از وقوع تخلفات و جرائم، رسیدگی تخصصی به شکایات و دعاوی حقوقی از جمله مصادیق حقوق شهروندی در معاملات اوراق بهادار است که نقض آن حسب مورد می‌تواند منجر به مسئولیت مدنی، انضباطی و کیفری گردد. سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان نهاد ناظر بازار سرمایه، با ایجاد ساختارهای لازم، سعی در فراهم نمودن بستر لازم جهت رعایت حقوق شهروندی برای سرمایه‌گذاران نموده است. به‌نظر می‌رسد علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، اشکالات و نواقصی وجود دارد که دستیابی به حقوق شهروندی را با مخاطراتی مواجه کرده که بازنگری در مقررات مربوطه را ضروری ساخته است.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، سازمان بورس و اوراق بهادار، افشاء اطلاعات، معاملات اوراق بهادار، شفافیت اطلاعات.

طبقه‌بندی JEL: K22, K40

* استادیار حقوق خصوصی مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران (نویسنده مسئول)

aminzadeh@toloemehr.ac.ir

rezai@mofidu.ac.ir

** استادیار دانشگاه مفید، قم، ایران

مقدمه

انسان به واسطه حضورش در جامعه دارای تکالیفی است که متقابلاً او را از حقوقی برخوردار می‌سازد. حقوق و تکالیف افراد یک جامعه در حوزه‌های مختلف ظهور می‌یابد؛ یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی بشری، بعد اقتصادی آن است. میل به مالکیت در انسان‌ها ریشه فطری دارد و از این رو برای ضابطه‌مند نمودن آن و جلوگیری از تضییع حقوق افراد، ضروری است چارچوب‌ها و قواعد حقوقی وضع شده و همگان به رعایت آن ملتزم گشته و خاطیان نیز با عواقب و تبعاتی مواجه گردند. در جوامع امروزی به دلیل تقسیم کاری که صورت گرفته است، نهادهای مختلفی متکفل حفظ و حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان شده‌اند. به‌طور کلی اقتصاد هر کشور را می‌توان به دو بخش اقتصاد حقیقی و اقتصاد مالی تقسیم کرد. این دو بخش در کنار هم نظام اقتصادی را شکل می‌دهند (فقهی‌کاشانی، ۱۳۸۶، ص. ۳). هر کدام از این دو بخش در چارچوب یک بازار مختص به خود فعالیت می‌کند که به بازار اقتصاد مالی و بازار اقتصاد حقیقی (واقعی) شناخته می‌شوند. در بازار اقتصاد واقعی دارایی‌های حقیقی (مشهود) و در بازار اقتصاد مالی دارایی‌های مالی (نامشهود) دادوستد می‌شوند.

بازارهای مالی براساس معیارهای متفاوتی تقسیم می‌شوند. از حیث سررسید تعهدات مالی می‌توان بازارهای مالی را به دو بازار پول و سرمایه تقسیم کرد. بازار پول بازاری برای دادوستد پول و دیگر دارایی‌های مالی جانشین نزدیک پول است که سررسید کمتر از یک سال دارند، اما بازار سرمایه به بازار دادوستد ابزارهای مالی با سررسید بیشتر از یک سال و دارایی‌های بدون سررسید اطلاق می‌شود. در کنار این دو بازار، بازار بیمه نیز نقش تکمیلی بازارهای مالی را به‌عهده دارد.

برای هر کدام از سه بخش بازارهای مالی در ایران نهاد ناظری وجود دارد که علاوه بر سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی فعالیت فعالان آن بازار، به نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات وضع شده می‌پردازد. در بازار پول نقش سیاست‌گذاری و نظارت بر عهده بانک مرکزی و در بازار بیمه این نقش به بیمه مرکزی واگذار شده است. براساس قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، نقش مذکور در بازار سرمایه به «سازمان بورس و اوراق بهادار» سپرده شده است. به‌موجب بند ۱۱ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار، یکی

از وظایف سازمان بورس و اوراق بهادار عبارتند از اتخاذ تدابیر ضروری و انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران در بازار اوراق بهادار. بدیهی است چنین حمایتی از مصادیق حقوق شهروندی به‌شمار می‌آید، چه اینکه بند «ژ» منشور حقوق شهروندی به «حق اقتصاد شفاف و رقابتی» اختصاص یافته و در مواد ۶۸ الی ۷۲ آن، مصادیق اقتصادی حقوق شهروندی از جمله حق اطلاع از اطلاعات اقتصادی به صورت برابر و شفاف به صراحت بیان شده است.

در این مقاله سعی داریم ضمن بیان مبانی مکتبی نظارت بر حقوق مالی در بازار اسلامی، حقوق اقتصادی شهروندان در بورس اوراق بهادار را نشان داده و تدابیر سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان نهاد ناظر بازار سرمایه، در تحقق حقوق شهروندی در معاملات اوراق بهادار را بررسی نموده و مشخص کنیم که آیا در حمایت از حقوق مالی شهروندان، قوانین و شیوه اجرایی سازمان بورس و اوراق بهادار کافی و مطلوب می‌باشد؟ بر این اساس سؤال محوری مقاله عبارتند از اینکه در معاملات اوراق بهادار، حقوق شهروندی سرمایه‌گذاران چه مصادیقی دارد و چگونه و از چه طریقی تأمین می‌گردد؟ از این سؤال، بحث‌هایی متفرع می‌گردد که از آن جمله می‌توان به مفهوم حقوق شهروندی در حوزه مالی و بورس اوراق بهادار و آسیب‌شناسی قوانین و مقررات ناظر بر حقوق شهروندی اشاره کرد.

۱. پیشینه پژوهش

درخصوص حقوق شهروندی سرمایه‌گذاران در معاملات اوراق بهادار، تحقیق مستقلی در میان کتب و مقالات به چشم نمی‌خورد اما در حیطه حقوق فعالان حوزه اقتصاد و بازار، پژوهش‌هایی صورت گرفته که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم: سلطانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «صلاحیت هیأت داورى موضوع قانون بازار اوراق بهادار» به حدود صلاحیت و نحوه رسیدگی به اختلافات فعالان در بازار سرمایه توسط هیأت داورى (به‌عنوان مرجع اختصاصی حل اختلافات بازار سرمایه) پرداخته است.

نیازپور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تکالیف سازمان بورس و اوراق بهادار در زمینه پیشگیری از جرم» پیشگیری از جرم را یکی از تکالیف سازمان بورس و اوراق بهادار دانسته و بر این عقیده است که سازمان مذکور به این تکلیف عمل ننموده است. سپس به ارائه پیشنهادهای در جهت اجرایی شدن این وظیفه و در نتیجه کاهش رفتارهای مجرمانه در بازار سرمایه پرداخته است.

صادقی مقدم و نوروزی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی نظام افشای اطلاعات در بورس ایران» یکی از تکالیف شرکت‌های بورسی در قبال سهامداران را اطلاع‌رسانی فوری وقایع مهم و انتشار گزارش عملکرد سه ماهه دانسته‌اند و با مقایسه نظام افشای اطلاعات در بورس ایران با حقوق آمریکا و انگلیس، نواقص موجود در نظام ایران را تذکر داده‌اند.

رجایی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «تقاضای بازار اسلامی در مقایسه با بازار رقابت کامل» مفروضات بازار اسلامی را بیان کرده و با استفاده از منابع فقهی، اصول حاکم بر تقاضا را استخراج و به عوامل تأثیرگذار برطرف تقاضا در بازار اسلامی اشاره کرده است.

نظرپور (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «امام علی(ع) حکومت و بازار» وضعیت بازار در زمان حکومت امام علی(ع) را تبیین نموده است. او ویژگی‌های بازار را در زمان آن حضرت را برشمرده و با استناد به روایات مربوطه به توضیح این ویژگی‌ها پرداخته است. اگرچه در هرکدام از تحقیقات مذکور به مسائلی از حقوق اشخاص مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی اشاره شده است، اما به‌طور مستقیم به موضوع حقوق سرمایه‌گذاران در معاملات بازار سرمایه توجه نشده است. تفاوت نوشتار حاضر با پژوهش‌های پیشین در تمرکز بر احصاء حقوق سرمایه‌گذاران در اوراق بهادار و شناسایی نقاط آسیب و ارائه پیشنهادات جهت رفع نواقص، اشکالات و خلاءها است.

۲. مفهوم و مصادیق حقوق شهروندی

در ابتدا ضروری است تا به تبیین مفهوم حقوق شهروندی اشاره گردد. در این راستا لازم است «شهروند» مورد تعریف قرار گیرد. بدین منظور معنای لغوی «شهروند» بیان شده و سپس به مفهوم اصطلاحی آن در حقوق اسلام و حقوق ایران خواهیم پرداخت.

۲-۱. معنای لغوی

شهروند ترجمه‌ی فارسی Citizien است. در غالب فرهنگ‌های فارسی، این اصطلاح تعریف نشده است. در فرهنگ معین، ذیل کلمه «شهروند» آمده است: «۱. کسی که در شهر زندگی می‌کند. ۲. اهل یک شهر یا یک کشور» (معین، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۲۴). همچنین در فرهنگ معاصر گفته شده است که شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور به‌شمار می‌آید و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود (فرهنگ معاصر - فارسی به فارسی -، ۱۳۸۳).

۲-۲. معنای اصطلاحی در فقه و حقوق ایران

اصطلاح «شهروند» و «حقوق شهروندی» از واژگان جدیدی است که در متون دینی و فقهی وجود ندارد. در عین حال مفهوم آن، یعنی نحوه‌ی بهره‌مندی اشخاص مختلف در یک جامعه از حقوق، برحسب نوع وابستگی و پیوند با حکومت، سابقه‌ای به قدمت تاریخ دارد.

برخلاف حقوق امروز که تابعیت به معنی پیروی از دولت معیار است، از دیدگاه اسلام دو معیار برای عضویت در جامعه اسلامی وجود داشته است:

۱. مسلمان بودن؛

۲. به رسمیت شناختن حکومت اسلامی و پیمان بستن با آن.

اما در حقوق ایران واژه شهروند در قوانین و مقررات مختلفی به‌کار رفته است از جمله در قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» که در تاریخ ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که البته ناظر به حقوق قضایی شهروندان است. اما فراتر از کاربرد اصطلاح «شهروند» در متن قوانین و مقررات، تأکید بر مفهوم «حقوق شهروندی» است که در قوانین متعدد به آن اشاره شده است. برای مثال فصل سوم قانون اساسی به «حقوق ملت» اختصاص یافته و مردم ایران را فارغ از قوم، قبیله، رنگ، نژاد و زبان برخوردار از حقوق مساوی دانسته است.

۲-۳. مصادیق حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در شئون مختلف زندگی مطرح بوده و لذا مصادیق مختلفی برای آن قابل تصور است. از ابتدایی‌ترین حقوق مانند حق حیات گرفته تا حقوقی مانند حق آزادی بیان و عقیده همه جزء مجموعه حقوق شهروندی می‌باشند (عباسی، ۱۳۹۲، ص. ۴۹). با توجه به حقوق اشاره شده در قانون اساسی می‌توان حقوق شهروندی را به دسته‌های ذیل تقسیم کرد:

- حقوق مدنی: این حقوق شامل موارد متعددی است از قبیل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری و...؛
- حقوق سیاسی: حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرآیندهای سیاسی حکومت لازم است از قبیل: حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، آزادی دسترسی به اطلاعات سیاسی و امکان فعالیت‌های سیاسی؛
- حقوق اقتصادی- اجتماعی: از جمله حق مالکیت، حق کار کردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی- بهداشتی و...؛
- حقوق فرهنگی: از جمله حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین‌المللی، احترام به تفاوت‌های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش؛
- حقوق قضایی: بهره‌مندی از حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله‌ی قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، حق انتخاب وکیل و...

اکنون که مفهوم و مصادیق حقوق شهروندی روشن شد لازم است اشاره کنیم که از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی کشورها، معاملات اوراق بهادار در بورس و فرابورس می‌باشد و ضروری است حقوق شهروندی در این معاملات را بررسی نماییم. پیش از آن، مبانی اسلامی حقوق اقتصادی شهروندی در بازار را که در مراقبت و نظارت بر حقوق مالی مصداق می‌یابد بررسی خواهیم کرد.

۳. مبانی مکتبی مراقبت و نظارت بر حقوق مالی در بازار اسلامی

مبانی مکتبی بازار اسلامی متناسب با نظام بینشی آن شکل می‌گیرد. مبانی مکتبی اصول راهبردی حرکت به سوی اهداف است. با توجه به مبانی مکتبی نظام اقتصادی اسلامی اصول راهبردی برای بازار مالی را به اختصار مطرح کنیم.

۳-۱. اصل آزادی فعالیت اقتصادی

از ویژگی‌های مهم هر نظام اقتصادی دیدگاه آن در مورد محدوده فعالیت اقتصادی افراد است. در تعالیم دینی موارد عدیده‌ای وجود دارد که از آن می‌توان استفاده کرد آزادی اصل مهم و اساسی فعالیت اقتصادی بازار اسلامی است.

طبق قاعده عدم‌اکراه، صحت معامله منوط به انجام آن بر طبق رضایت است. معامله‌ای که از روی اکراه صورت بگیرد اکل مال به باطل است (نساء: ۲۹). ادله متعددی بر احترام مال مسلمان وارد شده است و اینکه کسی حق ندارد نسبت به آن تعرض کند و بدون اذن یا رضایت صاحب آن تصرف در آن مجاز نیست (حرمة مال المسلم کحرمة دمه) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص. ۳۵۹)؛ (و لایحل دم امری مسلم و لاماله الا بطیبة نفس) (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۲۴۲؛ متقی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۹۲ و ۹۳).

طبق حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۲۷۲) همه انسان‌ها بر اموال خود مسلط هستند و براساس میل و سلیقه در آن تصرف می‌کنند. قاعده تسلیط که مستفاد از این حدیث است از قواعد مشهور فقهی است. سلطه فرد بر مال نشان از آزادی عمل فرد در نحوه بهره‌برداری از مال را دارد.

افراد در انتخاب نوع عقد مختار هستند. عقود مختلفی وجود دارد که فرد می‌تواند از میان انواع آن انتخاب کند و براساس آن درآمد کسب کند، از جمله دادوستد، اجاره، مضاربه، مزارعه، مساقات، قرض، جعاله، شرکت و... که هر یک شرایطی دارد که انسان می‌تواند براساس آن شیوه کسب درآمد فرد را نیز تعیین کند (رضایی‌دوانی، ۱۳۸۳، صص. ۱۰۱-۱۱۷).

۳-۲. رقابت سالم

در محیط آزاد اقتصادی افراد به دنبال کسب شرایط بهتر برای خود هستند، در واقع طالب سود بوده و تلاش می‌کنند رضایت طرف معامله را به دست آورده و مصلحت خود را تحقق بخشند. رقابت میان افراد به تلاش برای بهبود شرایط منجر می‌شود. هدف این رقابت نابودی دیگران نیست، بلکه با حفظ حقوق دیگران تلاش خود را برای افزایش سود دوچندان می‌کند.

تحقق رقابت سالم به عوامل متعددی بستگی دارد، از جمله اینکه لازم است برخی، قدرت انحصاری و اعمال محدودیت برای دیگران را نداشته باشند. از آنجا که انحصار با ادله متعددی مخالف احکام شرع است (رضایی‌دوانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۸). در بازار اسلامی نباید اجازه داد که رفتار انحصارگرایانه شکل بگیرد. در شرع مقدس، اموری چند لحاظ شده که در تحقق رقابت سالم مؤثر است (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۹). از جمله این امور می‌توان به رضایت در انجام معامله، آگاهی از کمیت و کیفیت معامله و رفع هرگونه جهل و خطر و ضرر، وفاء به شرایط معامله و تضمین خسارت اشاره کرد. باید توجه داشت تمامی ادله‌ای که انحصار را در اقتصاد اسلامی نفی می‌کند و اجازه نمی‌دهد بخشی از حاضران در بازار، کنترل قیمت را در اختیار داشته باشند و رفتار انحصارگرایانه شکل دهند دلیل رقابت سالم می‌باشند که به برخی از آن موارد اشاره شد (رضایی‌دوانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۸).

یکی دیگر از معیارهای رقابت سالم، ممنوعیت احتکار است که روایات متعددی بر آن دلالت دارد. ممنوعیت احتکار به جهت افزایش قیمت‌ها و اضرار به مردم است. برای شکل‌گیری رقابت سالم لازم است، اطلاعات مربوط به کم و کیف کالا و معامله و وضعیت بازار در اختیار افراد باشد تا رضایت آن قرارداد، واقعی باشد. بخش مهمی از قواعد معاملات و وجود اختیارات گوناگون همگی برای تحقق این امر است. اختیار غبن، شرط، تأخیر، رویت، عیب از جمله آن است. وجود اختیارات و حق فسخ قرارداد از ویژگی‌های مهم قرارداد اسلامی است و مانع برخی فعالیت‌های غیرصحیح می‌شود. مراعات این حقوق باعث می‌شود در بازار، معاملات به صورت استاندارد شکل گیرد. بازار مالی به جهت سرعت معاملات نیازمند مراعات استاندارد کالا است. شفافیت اطلاعات کارایی

بازار را افزایش می‌دهد (عبدالمنان، ۱۳۸۶، صص. ۳۸-۴۰). گسترش و شفافیت اطلاعات باعث فرصت برابر برای تمامی افراد می‌شود و از رانت‌خواری جلوگیری می‌کند و معامله در راستای صداقت و رضایت شکل می‌گیرد.

۳-۳. حفظ ارزش واقعی کالا و خدمات

از جمله اصول اساسی در بازار اسلامی عدم‌بخس است. بخش به معنای کم کردن و بی‌ارزش نمودن است. نقص در مقدار و کیفیت هر دو را در بر می‌گیرد و عیب‌ناک کردن کالا را هم شامل می‌شود (قریشی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۷۰). خداوند از زبان شعیب پیامبر خطاب به قوم خود چنین نقل می‌کند: (وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ) (هود: ۸۵) مشابه این آیه در سوره شعراء هم آمده است.

وفاء کامل به پرداخت مقدار واقعی کالا و کم‌نکردن از آن باعث صلاح جامعه مالی می‌شود و کم‌گذاشتن و کم‌فروشی و کم‌ارزش نمودن کالا باعث فساد در جامعه می‌شود. براساس مفاد قرآنی، از انواع مفساد، کم‌فروشی و خیانت در توزین است. این مطلب با آیه مربوط به کم‌فروشان توضیح داده می‌شود. (مطففین: ۱-۳).

کم‌فروش، ثمن را برای مقداری کالا می‌گیرد ولی کمتر می‌دهد. در واقع با فریب طرف مقابل کالای پرداخت شده را گرانتر فروخته است. فروشنده با اینکار ارزش کالای خود را افزایش داده ولی ارزش ثمن را کاهش داده است. در بازار باید قیمت‌ها متناسب با واقعیت کالا باشد و بخش یعنی بی‌ارزش کردن کالا یا ثمن. این امر در تمامی بازارها اعم از کالا، سرمایه، پول، می‌تواند شکل گیرد. بخش با قسط و عدالت تنافی دارد و به همین جهت منجر به فساد در معامله می‌شود. محیط اقتصادی را به فساد می‌کشاند. در واقع بخش نوعی اکل مال به باطل است. فریب در معامله و ضررزدن به دیگران است و راه دوری از آن، انجام معامله با ترازوی عدل است و این اختصاص به بازار کالا ندارد؛ بلکه در تمامی بازارها رخ می‌دهد. لازم است در بازار از ترازوی صحیح و معیارهای اساسی برای برقراری ترازوی عدل و انصاف استفاده کرد. همان‌طور که در محاسبه کمیت کالا باید از پیمانانه و ترازوی صحیح استفاده کرد تعیین ارزش کار، سرمایه نقدی و فیزیکی

هم محتاج معیار صحیح است. اگر قواعد و مقررات اسلامی در محیط بازار برقرار شود و معاملات در چارچوب شرع به صورت واقعی انجام شود می توان گفت برآیند این فرآیند قسطاس مستقیم و ترازوی عدل است.

۳-۴. حاکمیت مقررات و قواعد دولت اسلامی

در اقتصاد اسلامی دولت وظایف متعددی از جمله هدایت و نظارت بر بازارها را برعهده دارد. تاریخ اسلامی شواهد متعددی از نظارت پیامبر گرامی اسلام و امیرمؤمنان نسبت به بازار را نقل کرده است. در دوران حاضر با پذیرش لزوم تشکیل دولت اسلامی و جایگاه تصمیم گیری دولت در منطقه الفراغ و یا براساس ولایت فقیه، دولت می تواند قوانین متغیر متناسب با شرایط روز و با رعایت مصالح عمومی وضع کند و بازار مالی نیز لازم است در چارچوب قوانین عمل کند (رضایی دوانی، بی تا، صص. ۷۹-۸۰).

مواردی که تاریخ نظارت بر بازار توسط پیامبر و امیرمؤمنان و حاکمان را بازگو می کند عبارتند از:

- ✓ نظارت بر عملکرد بازار و قیمت عادلانه و غیراجحافی که در فرمان امیرمؤمنان به مالک اشتر صریحاً به آن تصریح شده است (و لیکن البیع بیعا سمحا بموازين عدل و اسعار لاتجحف بالفریقین من البایع و المبتاع) (شریف الرضی، بی تا، نامه ۵۳، ص. ۴۳۸).
- ✓ نظارت بر کیفیت کالا از نظر مراعات قوانین شرع: پیامبر به شخصی که زیر و روی کالای او متفاوت بود فرمود: «این عمل خیانت به مسلمانان است» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، صص. ۲۰۹-۲۱۰)، و امیرمؤمنان در مورد فروش کالا نصایح متعددی می فرمودند (منتظری، بی تا، ج ۲، صص. ۲۶۵-۲۶۹).
- ✓ جلوگیری از احتکار کالای ضروری و موردنیاز مردم: در موارد متعدد پیامبر از احتکار نهی کردند و محتکران را مجبور می کردند که از عرضه کالا دریغ نکنند؛ البته پیامبر ضمن اجبار به عرضه کالا قیمت کالا را تعیین نمی کردند و تعیین قیمت را نوعی بدعت می دانستند (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، صص. ۳۱۷-۳۱۸). امیرمؤمنان نیز در نامه به مالک اشتر می فرماید: «فمن قارف حکره بعد نهیک اياه فنکل به و عاقبه فی غیر

اسراف» (شریف‌الرضی، بی‌تا، نامه ۵۳، ص. ۴۳۸). کسانی که در بازار اختلال ایجاد می‌کنند و با احتکار قیمت‌ها را تغییر می‌دهند باید مجازات شوند.

نهاد حسبه در دوره تمدن اسلامی در بازار شکل گرفت و وظیفه‌اش نظارت بر عملکرد بازار، کیفیت قراردادهای کالاها و خدمات بوده است و براساس نوع کالا، کارشناس برای تأیید کیفیت کالا تعیین و برای فروش کالا در بازار مقررات خاصی وضع می‌شد. حسبه نوعی امر به معروف و نهی از منکر بود که از طریق نهادهای عمومی و نظارتی اعمال می‌شد (ابن‌اخوه، بی‌تا، صص. ۳-۷۰؛ منتظری، بی‌تا، ج ۲، صص. ۲۷۰-۳۰۰). نظارت بر صرافی‌ها و کیفیت سکه‌های ضرب شده و معامله بر آن به جهت جلوگیری از ربا و انجام معاملات غیرشرعی از انواع مسئولیت‌های ناظران حسبه بوده است (ابن‌اخوه، بی‌تا، صص. ۱۲۳-۱۲۵ و ۲۲۷).

در بورس اوراق بهادار آنچه مورد مبادله قرار می‌گیرد، اوراق بهادار، اسناد، دارایی نقدی و ارزی و مانند آن است. نظارت بر انتشار و معامله آن در اختیار نهاد عمومی است که در حال حاضر این امر به «سازمان بورس و اوراق بهادار» سپرده شده است. از مطالب بیان شده به دست می‌آید در بازار سرمایه «سازمان بورس و اوراق بهادار»، به عنوان نهاد حاکمیتی و عمومی می‌بایست حضور جدی داشته و با نظارت و سیاست‌گذاری مناسب، این بازار را به اهداف خود، نزدیک سازد. بدیهی است نظارت نباید منجر به دخالت در بازار گردد.

۳-۵. اعتبار بازار در تعیین قیمت و توزیع ثروت و درآمد

اقتصاد اسلامی گرچه حضور دولت در اقتصاد را در سطوحی به رسمیت می‌شناسد و منابع و دارایی‌های متعددی را به آن اختصاص می‌دهد و نظارت و هدایت آن را برای نظام اقتصادی صحیح می‌داند، ولی این به معنای بی‌اعتباری بازار در فعالیت‌ها، تعیین قیمت و توزیع ثروت نیست. هرگاه شرکت‌کنندگان در بازار در چارچوب کلی شرع فعالیت کنند و از احتکار، ظلم، اجحاف، معاملات باطل و... به دور باشند، نتیجه حاصل از آن مورد تأیید شرع است. قیمت کالا، قیمت عادلانه تلقی می‌شود و سهم هر عامل از

درآمد، سهم عادلانه است و می‌توان در منازعات به بازار مراجعه کرد که چند مورد از آن عبارتند از:

۱. در فقه اسلامی در تشخیص ضمانات و خسارات وارده به قیمت بازار مراجعه می‌شود، هرگاه شخصی مال قیمتی را قرض بگیرد براساس قیمت یوم القرض یا یوم الاداء یا اعلی‌القیم ضمان تحقق می‌یابد و باید اداء شود. اصولاً تبدیل عین به قیمت که در موارد متعدد در فقه مطرح است همه نشان از تأیید قیمت سوبیه و بازار دارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۳۰۴، ۳۱۳، ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۳۲ و ۳۳۹).

۲. پیامبر اسلام (ص) در موارد احتکار کالا قیمت تعیین نمی‌کردند و فقط محتکر را مجبور به عرضه کالا می‌نمودند (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص. ۳۱۷ و ۳۱۸).

۳. در روایات آمده است که اگر قیمت اجحافی باشد حاکم باید نسبت به آن واکنش نشان دهد ولی در غیرآن صورت قیمت صحیح است. در احتکار، قیمت، اجحافی است و با نبود احتکار موازین عدل مراعات می‌شود (شریف‌الرضی، بی‌تا، نامه ۵۳، ص. ۴۳۸).

۴. حقوق شهروندی در بورس اوراق بهادار

پیش از بیان مصادیق حقوق شهروندی در بورس اوراق بهادار لازم است به اهمیت آن در معاملات اوراق بهادار بپردازیم.

۴-۱. اهمیت حقوق شهروندی در بورس اوراق بهادار

همان‌گونه که در مطالب پیشین گفته شد، دسترسی یکسان به اطلاعات چه در بُعد سیاسی و چه در بعد اقتصادی از مهم‌ترین مصادیق حقوق شهروندی است. در بعد اقتصادی اگر اطلاعات به‌طور یکسان برای جامعه منتشر نشود عده‌ای از فرصت به‌دست آمده سوءاستفاده کرده و بی‌جهت از رانت ایجاد شده بهره‌برداری می‌کنند و این امر ثمره حقوق شهروندی را که عدالت اجتماعی است به‌کلی زائل خواهد کرد و بالتبع حقوق شهروندی معنا نخواهد داشت.

در معاملات اوراق بهادار شاید بتوان گفت مهم‌ترین عنصر، کارا بودن بازار اوراق بهادار، شفافیت اطلاعاتی و دسترسی یکسان سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت‌هاست. در اهمیت عنصر شفافیت همین بس که بدانیم مبنای تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان در بازارهای اوراق بهادار، اطلاعاتی است که توسط بورس‌ها، ناشران اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس و واسطه‌های فعال در این بازارها منتشر می‌شود. بهره‌گیری از این اطلاعات و به عبارتی تصمیم‌گیری صحیح در بورس اوراق بهادار زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات مزبور به موقع، مربوط، با اهمیت و نیز کامل و قابل فهم باشد. چنانچه اطلاعات افشاشده از ویژگی‌های فوق یا بعضی از آنها برخوردار نباشند، بدون تردید سازوکار کشف قیمت در بازار به درستی عمل نخواهد کرد و قیمت‌گذاری اوراق به شیوه‌ای مطلوب انجام نخواهد شد و در نتیجه، واقعی بودن قیمت‌ها و پیش‌بینی منطقی روند آتی آن و به‌طور کلی شفافیت و عادلانه بودن بازار زیر سؤال خواهد رفت. از طرف دیگر حقوق شهروندی اقتضا می‌کند که از سرمایه‌گذاران در مقابل ناهنجاری‌ها و تخلفات یا جرائمی که منجر به نقض حقوق می‌شود حمایت شده و مرجعی برای رسیدگی به تضییع حقوق سرمایه‌گذاران پیش‌بینی شود.

۲-۴. مصادیق حقوق شهروندی در بورس اوراق بهادار

حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران در معاملات سهام و دیگر اوراق بهادار به‌عنوان مصادیقی از حقوق شهروندی در پرتو فقدان تبعیض اطلاعاتی محقق می‌شود که از طریق افشاء اطلاعات عمومی حاصل می‌شود. از این‌رو، نهاد ناظر بر بورس اوراق بهادار به‌منظور شفاف‌نمودن بازار، فراهم‌آوردن امکان دسترسی یکسان فعالان بازار به اطلاعات و به‌طور کلی ایجاد بازاری شفاف و منصفانه برای دادوستد اوراق بهادار، اقدام به تدوین مقررات در قالب آیین‌نامه و دستورالعمل کرده است. در این مقررات که بر مبنای قوانین مدون شده است، هر یک از نهادهای مرتبط با معاملات اوراق بهادار یعنی بورس، ناشران اوراق پذیرفته شده و واسطه‌های بازار به افشای اطلاعات معینی درباره امور و فعالیت‌های خود مکلف شده‌اند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

از طرفی همیشه احتمال نقض مقررات وضع شده توسط اشخاص مکلف وجود دارد که می‌تواند منجر به تضییع حق و ورود خسارت به سرمایه‌گذاران گردد، در این صورت مطابق مقتضای حقوق شهروندی ضروری است، واضح مقررات، نحوه جبران خسارات وارده را مشخص نمایند. بنابراین در دو بخش مصادیق بارز حقوق شهروندی در معاملات اوراق بهادار که عبارتند از «شفافیت اطلاعات» و «حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران» را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۲-۱. تقارن و شفافیت اطلاعات

از مهم‌ترین حقوق سهامداران و سرمایه‌گذاران در بازار اوراق بهادار شفافیت اطلاعات و دسترسی یکسان همگان به اطلاعات ناشران است. در این بخش ابتدا ضرورت تقارن و شفافیت اطلاعات بیان شده و سپس به اطلاعاتی که ناشران مکلف به افشاء آن هستند اشاره خواهد شد.

۴-۲-۱-۱. ضرورت تقارن و شفافیت اطلاعات

امروزه در تمامی مدل‌های ارائه شده از بازار، نقش اطلاعات در تحقق بازار کارا به شدت مورد توجه است و بیش از دو دهه تئوری بازارهای با اطلاعات نامتقارن، موضوعی مهم در تحقیقات اقتصادی بوده است. در گذشته فرض بر این بود که همه فعالان بازار، نسبت به تمامی قیمت‌ها و اطلاعات مرتبط، آگاهی کامل دارند. بدین معنا که از یک طرف، شرکت‌ها قیمت‌کالاهایی را که احتمالاً می‌توانند تولید کنند، فناوری تولید آنها و قیمتی که می‌توانند در آن نهاده‌های لازم را خریداری کنند، می‌دانند. از طرف دیگر، سایر افراد هم، از قیمت‌هایی که می‌توانند در آن کالاها را خریداری کنند آگاه هستند (B.curttis, 2002, p. 273). این نظریه بعدها توسط بعضی اقتصاددانان نقض شد و در پاسخ به آن، مسأله عدم تقارن اطلاعات بازار به عنوان موضوعی بنیادی در تئوری مدرن اقتصاد خرد جای گرفت (ابراهیمی‌سالاری و صالح‌نیا، ۱۳۹۴، ص. ۳۹۵). عدم تقارن اطلاعات، منجر به برتری و سلطه یک طرف معامله نسبت به طرف دیگر خواهد شد، لذا متولی و ناظر بازار می‌بایست در جهت کاهش آثار این عدم تقارن، کوشش نماید. به نظر می‌رسد در بازار سرمایه، الزام ناشران، نهادهای مالی و تشکلهای خود انتظام به

ارائه اطلاعات به‌موقع، عامل مؤثری در جهت کاهش آثار سوء عدم‌تقارن اطلاعاتی می‌باشد. از نگاه مقنن، اهمیت شفافیت اطلاعات، تا جایی بوده که در قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ یک فصل را به «اطلاع‌رسانی در بازارهای اولیه و ثانویه» اختصاص داده است. در این فصل ۶ ماده بیان شده که کلیات مربوط به انتشار اطلاعات ناشران ثبت شده نزد سازمان را مشخص کرده و علاوه‌بر اشاره به رئوس تکالیف ناشران، سازمان بورس و اوراق بهادار را مکلف به تهیه آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی نموده است. هیأت مدیره سازمان نیز در اجرای این قانون، در تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۳ دستورالعمل اجرایی افشاء اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان را به تصویب رساند.

براساس این دستورالعمل، موارد افشاء به سه بخش تقسیم شده‌اند: الف) گزارش‌ها و صورت‌های مالی سالانه و میان دوره‌ای، ب) مجامع عمومی، ج) اطلاعات با اهمیت. برخی از نویسندگان تقسیم‌بندی مذکور را به پیروی از ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار و به تقلید از مقررات قانون اوراق بهادار آمریکا و انگلیس دانسته‌اند و معتقدند منطق این تقسیم‌بندی مبتنی بر این است که تکلیف افشاء اطلاعات برعهده کیست. ایشان افشاء اطلاعات مهم را وظیفه رکن اجرایی شرکت (مدیران) دانسته و افشاء گزارش‌ها و صورت‌های مالی را از تکالیف بازرسان شرکت تلقی کرده و افشای تصمیمات مجامع عمومی را از وظایف رکن تصمیم‌گیری یا همان مجمع عمومی دانسته‌اند (صادقی‌مقدم و نوری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۳).

به نظر می‌رسد چنین برداشتی صحیح نباشد، زیرا در ابتدای هر کدام از مواد مربوط به افشاء، تکلیف بر ناشر بار شده است و تکلیف ناشر در واقع تکلیف مدیران شرکت است. به تعبیر دیگر در امور مربوط به افشاء اطلاعات، اصل بر مسئولیت مدیران شرکت است. البته خلاف آن قابل اثبات است، بنابراین نمی‌توان افشاء گزارشات و صورت‌های مالی را از وظایف بازرسان دانست، مگر اینکه مدیران شرکت بتوانند تقصیر بازرسان در عدم افشاء یا تأخیر در افشاء اطلاعات را به اثبات برسانند مثلاً هرگاه مدیران شرکت اسناد و مدارکی ارائه نمایند که نشان دهد گزارشات و صورت‌های مالی به‌موقع، توسط ایشان تهیه گردیده و در مدت معقولی پیش از انقضای مهلت مقرر، به بازرسان شرکت تحویل

شده است و تخلف از افشاء به موقع اطلاعات، متناسب به بازرسان شرکت می‌باشد، مسئولیت از دوش ایشان برداشته خواهد شد.

همین‌طور فرض مسئولیت مجمع عمومی قابل پذیرش نیست، زیرا اولاً مجمع فاقد شخصیت حقوقی بوده و دارای حق و تکلیف نمی‌باشد تا بتوان آن را مسئول دانست و ثانیاً تصمیم‌گیران مجمع، سهامداران یا به عبارتی مالکان شرکت هستند و نمی‌توان مالکان شرکت را نسبت به مالشان مورد مواخذه قرار داد، بلکه باید دید چه شخصی مسئولیت اطلاع‌رسانی تصمیمات مجمع را برعهده داشته و به این تکلیف عمل نکرده است.

۲-۱-۲-۴. مصادیق افشای اطلاعات

به‌طور کلی اطلاعاتی را که ناشران اوراق بهادار براساس دستورالعمل افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان، مکلف به افشاء هستند را می‌توان به‌صورت ذیل تقسیم‌بندی کرد: (صفاریان، ۱۳۸۱، ص. ۱۸):

۱. گزارش‌های منظم و ادواری: مطابق دستورالعمل مذکور، افشاء اطلاعات شرکت‌ها در دوره‌های زمانی مشخصی نسبت به سال مالی شرکت ضروری است. مهلت افشای این اطلاعات به‌صورت یکسان برای کلیه شرکت‌ها مشخص شده است. از جمله می‌توان به صورت‌های مالی سالانه اشاره نمود. لازم به ذکر است نوع اطلاعاتی که ناشران ملزم به افشاء هستند، بسته به بازاری که سهام شرکت در آن قابل معامله است متفاوت است. برای مثال، ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، می‌بایست علاوه بر انتشار صورت‌های مالی سالانه و میان دوره‌ای، گزارش تفسیری مدیریت را نیز ارائه دهند در حالی که ناشران غیربورسی و غیرفرابورسی ملزم به گزارش تفسیری مدیریت نیستند.
۲. افشای اطلاعات با اهمیت: دومین دسته از اطلاعاتی که باید توسط ناشران منتشر شود، افشای اطلاعات مهم است. به موجب ماده ۶۸ دستورالعمل پارلمان اتحادیه اروپا اطلاعات مهم عبارتند از «هرگونه اتفاق جدیدی که در قلمرو فعالیت شرکت واقع شود به گونه‌ای که تأثیر آن بر دارایی یا روند کلی کسب‌وکار شرکت به تغییر قابل توجه در قیمت اوراق بهادار منجر شود»^۱. در

بند (۶) ماده (۱) دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان مصوب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، در تعریف اطلاعات با اهمیت آمده است: «اطلاعاتی درباره رویدادها و تصمیمات مربوط به ناشر که بر قیمت اوراق بهادار ناشر و یا تصمیم سرمایه‌گذاران برای معامله اوراق بهادار تأثیر داشته باشد». اگرچه در این تعریف، معیار اطلاعات مهم بیان شده است، اما در ماده (۱۳) این دستورالعمل، به برخی از مصادیق آن نیز اشاره شده است. در اصلاحیه جدید دستورالعمل اجرایی افشاء اطلاعات، اطلاعات با اهمیت به دو گروه «الف» و «ب» تقسیم شده‌اند، در حالی که پیش از آن اطلاعات با اهمیت در چهار گروه: الف) رویدادهای مؤثر بر فعالیت، وضعیت مالی و نتایج عملکرد ناشر، ب) تصمیمات و شرایط مؤثر بر ساختار سرمایه و تأمین منابع مالی ناشر، ج) تغییر در ساختار مالکیت ناشر، د) سایر اطلاعات مهم مؤثر بر قیمت اوراق بهادار ناشر و تصمیم سرمایه‌گذاران تقسیم‌بندی شده بود. ثمره تقسیم‌بندی اطلاعات به دو گروه «الف» و «ب» در دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات مشخص شده است. به موجب این دستورالعمل نحوه توقف و بازگشایی نماد و همچنین محدودیت دامنه نوسان، در زمان افشای اطلاعات گروه «الف» با گروه «ب» متفاوت است.

۳. افشای اطلاعات مربوط به مجامع عمومی: دسته سوم از اطلاعاتی که ناشران مکلف به افشای آن می‌باشند اطلاعات مربوط به مجامع عمومی است. اطلاعات مرتبط با مجامع عمومی شامل مجمع عادی سالیانه، عادی به‌طور فوق‌العاده و مجمع عمومی فوق‌العاده می‌شود. بنابر دستورالعمل اجرایی افشاء اطلاعات، ناشران موظفند پیش از برگزاری مجمع، سهامداران را نسبت به زمان، تاریخ، محل تشکیل و دستور جلسه مجمع مطلع سازند و پس از برگزاری نیز نسبت به اطلاع‌رسانی تصمیمات مجمع به‌نحو مقرر اقدام نمایند.

۲-۲-۴. حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران در مقابل نقض مقررات

سازمان بورس و اوراق بهادار در قالب پیشگیری از وقوع جرائم و تخلفات، رسیدگی به شکایات، تسهیل طرح دعاوی حقوقی و تخصصی شدن مرجع رسیدگی به آن، نقش مهمی در حمایت از سرمایه‌گذاران دارد.

۱-۲-۲-۴. پیشگیری از وقوع جرائم و تخلفات

امنیت از حقوق بنیادی شهروندان است، بنابراین حاکمیت وظیفه دارد برای دسترسی همگان به آن به شکل دقیق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کند. سازمان بورس اوراق بهادار نیز به‌عنوان نهاد ناظر بازار سرمایه از این امر مستثناء نیست. قانون‌گذار ایران به سازمان مذکور در بند (۸) ماده (۷) قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، مأموریت داده است تا تدابیری بیاندیشد که از وقوع تخلفات در بازار سرمایه پیشگیری گردد. ممکن است گفته شود برخورد با تخلفات، خود موجب پیشگیری از وقوع تخلفات دیگر می‌گردد اما باید توجه داشت آنچه که از عبارت پیشگیری متبادر می‌شود، جنبه پیشینی آن است و نه پسینی. بلدیهی است اقدام پسینی که بعد از ارتکاب تخلفات یا جرائم صورت می‌گیرد نه تنها از اختیارات نظارتی سازمان بوده بلکه از وظایف آن به‌شمار می‌رود که ماده ۵۲ قانون مذکور به این امر تصریح کرده است. آنچه که ضروری است سازمان بورس و اوراق بهادار نسبت به آن اهتمام ورزد، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در خصوص ارتکاب نیافتن تخلفات و جرائم است.

در صورت انجام این تکلیف قانونی به شکل دقیق از احتمال و شمار گرایش شهروندان به انواع تخلفات و جرائم کاسته می‌شود و در نتیجه در محیط بازار سرمایه امنیت و نظم اقتصادی برای سرمایه‌گذاری تبلور می‌یابد.

به‌نظر می‌رسد اخیراً هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار با تشکیل «اداره پیشگیری و ارتقای سلامت بازار سرمایه» گامی در این جهت برداشته است. هرچند فقدان دستورالعمل لازم و ابهام در شرح وظایف این اداره نقصی است که باید مرتفع شود.

«به‌کارگیری متخصصان پیشگیری از جرم»، «گسترش تعاملات علمی با مراکز علمی، دانشگاهی»، «تدوین برنامه ملی برای پیشگیری از جرم‌های علیه بازار سرمایه» و «تدوین متون آموزشی پیشگیری از جرم‌های علیه بازار سرمایه» از جمله پیشنهاداتی

است که می‌تواند سازمان را در رسیدن به این هدف یاری رساند (نیازپور، ۱۳۹۶، صص. ۳۵۰-۳۵۲).

۴-۲-۲. رسیدگی به شکایات

یکی از مصادیق حقوق شهروندی در معاملات بازار سرمایه، حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران به وسیله رسیدگی به شکایات ایشان می‌باشد. همان‌گونه که بیان شد به موجب بند (۱۱) ماده (۷) قانون بازار اوراق بهادار از وظایف سازمان بورس و اوراق بهادار، اتخاذ تدابیر ضروری و انجام اقدامات لازم به منظور حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران است. از طرفی به موجب ماده (۲۵) قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد، کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند به بازنگری و مهندسی مجدد سامانه پاسخ‌گویی به شکایات و مکانیزه نمودن آن به نحوی اقدام نمایند که دریافت شکایات به‌طور غیرحضوری توسط واحدهایی که مسئولیت پاسخ‌گویی و رسیدگی به شکایات مردم را دارند به واحد مربوطه در دستگاه منعکس گردد. در ادامه این ماده آمده است: کلیه مراحل رسیدگی به شکایت باید حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول شکایت خاتمه یابد. عدم رسیدگی به شکایت یا عدم انعکاس موضوع به مراجع ذیصلاح یا عدم پاسخ مکتوب به شاکی در مهلت مذکور، تخلف محسوب و با مرتکبین طبق قوانین مربوطه برخورد می‌شود.

هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار اخیراً در اجرای این تکالیف قانونی، اداره‌ای با عنوان «اداره رسیدگی به شکایات و حمایت‌های حقوقی» تشکیل داده است. اگرچه براساس آنچه که در تارنمای رسمی سازمان^۲ و در معرفی اداره فوق‌الذکر آمده است، اهداف و برنامه‌های متنوعی برای این اداره شمرده شده است. از مواردی که اعلام شده است رسیدگی به شکایت علیه کارکنان یا مدیران سازمان بورس و اوراق بهادار است که به تصریح بند (۷) ماده (۴) قانون بازار اوراق بهادار از وظایف و اختیارات شورای عالی بورس می‌باشد. علی‌رغم اهداف و برنامه‌های اعلام شده، با بررسی صورت گرفته به نظر می‌رسد متن مدون یا دستورالعمل مشخصی درخصوص سازوکار رسیدگی به شکایات یا حمایت‌های حقوقی از سرمایه‌گذاران وجود ندارد. چنانچه پس از بررسی شکایت، تضییع حقی صورت گرفته باشد، نحوه رسیدگی به تخلفات صورت گرفته و

همچنین نحوه جبران خسارات وارده به زیان‌دیده معلوم نیست. به عبارتی وظایف و اختیارات قانونی اداره مذکور تعیین نشده است.

۴-۲-۳. رسیدگی به دعاوی حقوقی

مطابق مواد (۳۶) و (۳۷) قانون بازار اوراق بهادار «هیأت داوری» به اختلافات بین فعالان بازار سرمایه ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنها، در صورت عدم‌سازش در «کانون‌ها» رسیدگی می‌کند. اگرچه عنوان این مرجع رسیدگی «داوری» است اما نباید آن را مرجعی اختیاری دانست، بلکه به موجب مواد مذکور رسیدگی به اختلافات حادث در بازار سرمایه صرفاً در صلاحیت هیأت داوری است، البته با این شرط که اختلاف ایجاد شده ناشی از فعالیت حرفه‌ای در بازار سرمایه باشد.

صلاحیت هیأت داوری در مواد (۳۶) و (۴۳) قانون بازار و مواد (۵) و (۱۵) قانون توسعه ابزارها بیان شده است. به موجب مواد مذکور، رسیدگی به اختلافات میان اشخاص فعال در بازار سرمایه، جبران خسارت به‌واسطه ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه اولیه و امکان مطالبه سود از ناشران اوراق بهادار توسط سهامداران یا سازمان از جمله مواردی است که هیأت داوری، صلاحیت رسیدگی به آن را دارد.

۵. ضمانت اجرای رعایت حقوق شهروندی در بورس اوراق بهادار

پس از مشخص شدن مصادیق حقوق شهروندی در معاملات اوراق بهادار، پرسش این است که چنانچه اشخاصی با نقض مقررات، موجب تضییع حقوق شهروندی شوند با چه ضمانت‌اجراهایی روبرو شده و زیان‌دیدگان چگونه می‌توانند ضرر و زیان خود را جبران نمایند؟ در پاسخ باید گفت قوانین مرتبط با بازار سرمایه، در این زمینه به چند نوع ضمانت اجرا اشاره کرده است که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: الف) ضمانت اجرای مدنی، ب) ضمانت اجرای انضباطی، ج) ضمانت اجرای کیفری.

۵-۱. ضمانت اجرای مدنی

مسئولیت مدنی از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین ضمانت‌اجراهای فعالیت‌های اقتصادی است به‌گونه‌ای که تصریح به آن در مقررات ضروری نبوده و از قواعد عامه مسئولیت به حساب می‌آید. اهداف مختلفی برای مسئولیت مدنی ذکر می‌شود، از جمله: تسلی خاطر زیان

دیده، اجرای عدالت، مجازات خطاکار و...، اما برای ناشران پذیرفته شده در بورس، اهداف دیگری را نیز باید افزود از جمله: درونی کردن هزینه‌های خارجی، بازدارندگی اقتصادی و توزیع ضرر.

ناگفته پیداست که تحقق این مسئولیت منوط به وجود شرایط و اثبات ارکان آن می‌باشد. همه چالش‌ها در خصوص مسئولیت مدنی به شرایط تحقق و بار اثبات مسئولیت برمی‌گردد. براساس رویکرد سنتی حقوقدانان، برای ایجاد مسئولیت مدنی سه عنصر لازم است که عبارتند از: تقصیر، ضرر و رابطه سببیت. در حقوق ایران، قاعده کلی این است که برای اثبات رابطه سببیت، تقصیر زیان زننده باید به اثبات برسد (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۲) و مسئولیت بدون تقصیر یا محض، استثناء بوده و نیاز به تصریح مقنن دارد.

ماده ۴۳ قانون بازار در این زمینه بیان داشته است: «ناشر، شرکت تأمین سرمایه، حسابرس و ارزش‌یابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارات وارده به سرمایه‌گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آنها باشد، متضرر گردیده‌اند». بدیهی است مطابق اصول آئین دادرسی مدنی، یکی از شرایط اقامه دعوی مسئولیت مدنی ذی‌نفعی خواهان است، به‌گونه‌ای که از اقامه دعوا، سود و منفعتی متوجه خواهان گردد (شمس، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۴). کلیه سرمایه‌گذارانی که در اثر ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع یا قصور و تقصیر و تخلف اشخاصی که نسبت به اطلاعات صحیح مسئولیت داشته‌اند، متحمل ضرر و زیان شده‌اند می‌توانند به‌عنوان خواهان اقامه دعوا نمایند. اما آیا سازمان بورس هم می‌تواند به‌عنوان ناظر بازار سرمایه برعلیه دارندگان مسئولیت، طرح دعوا نماید یا خیر؟ در پاسخ باید گفت اگرچه ماده (۵۲) قانون بازار، سازمان بورس را مکلف به جمع‌آوری مدارک و مستندات مربوط به جرایم فصل ششم آن قانون و طرح شکایت به‌عنوان شاکی نزد دادگاه صالح نموده است و به نوعی سازمان بورس را متولی حفظ حقوق سرمایه‌گذاران تلقی کرده است، اما در دعوی مسئولیت مدنی نمی‌توان سازمان بورس را ذی‌نفع دانست زیرا، خواسته در دعوی مسئولیت مدنی، مطالبه ضرر و زیان است که می‌بایست توسط زیان‌دیده اقامه گردد و در این دعوا، نفعی متوجه سازمان

نیست. مرجع رسیدگی به دعوی مذکور، هیأت داوری است زیرا، اولاً ارائه اطلاعات ناقص یا خلاف واقع در عرضه اولیه، فعالیت حرفه‌ای محسوب می‌شود و ثانیاً براساس ماده ۳۶ قانون بازار، مرجع رسیدگی به کلیه دعاوی ناشی از فعالیت حرفه‌ای (اعم از قراردادی و غیرقراردادی) در صلاحیت هیأت داوری است.

۲-۵. ضمانت اجرای انضباطی

ضمانت اجرای دیگری که برای پابندی به حقوق شهروندی در معاملات اوراق بهادار وجود دارد، مجازات‌های انضباطی است. تخلف از قوانین و مقررات بازار سرمایه، علاوه بر اینکه ممکن است جنبه خصوصی داشته باشد و به زیان اشخاص منجر شود، جنبه عمومی نیز دارد. جنبه عمومی تخلف به دو صورت قابل تصور است: گاهی ضربه آن به امنیت جامعه به اندازه‌ای است که قانون‌گذار برای آن مجازات کیفری در نظر می‌گیرد و گاهی صرفاً در محدوده بازار سرمایه بوده و به فعالان این بازار آسیب می‌رساند. سازمان بورس و اوراق بهادار و تشکل‌های خودانتظام برای صیانت از حقوق سرمایه‌گذاران و با اختیاری که قانون به آن تصریح کرده، از مجازات‌های انضباطی به‌عنوان ابزاری برای رعایت مقررات استفاده می‌کنند.

در ماده (۳۵) قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و مواد (۱۳) و (۱۴) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب ۱۳۸۸ به رسیدگی به تخلفات اشخاص تحت نظارت سازمان و برخی ضمانت اجراها از جمله جریمه نقدی و سلب صلاحیت مدیران، اشاره شده است.

در اجرای مواد فوق‌الذکر، هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اشخاص موضوع ماده (۳۵) قانون بازار اوراق بهادار و دیگر اشخاص تحت نظارت را به تصویب رسانده است. در این دستورالعمل مراجع رسیدگی به تخلفات و نحوه رسیدگی و روش تجدیدنظر از آراء بیان شده است. همچنین در دستورالعمل‌های دیگری، تخلفات و مجازات‌های انضباطی مشخص شده است. به‌طور مثال می‌توان به دستورالعمل انضباطی کارگزاران، دستورالعمل انضباطی نهادهای مالی غیرکارگزار،

دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در فرابورس ایران و... اشاره کرد.

اگرچه سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان رکن نظارتی بازار سرمایه، سعی نموده تا با استفاده از اختیاراتی که قانون به وی اعطا کرده است، با ناهنجاری‌ها و تضییع حقوق سرمایه‌گذاران مقابله کرده و ناقضان مقررات را با مجازات تنبیه نماید. اما استفاده از این اختیارات بدون در نظر گرفتن قواعد و ضوابط حقوقی، مخاطراتی به همراه داشته و به مثابه تیغی دو لبه است، چه اینکه ممکن است اشخاصی که مطابق قوانین و مقررات از اختیارات لازم برای برخورد با متخلفان برخوردار باشند به بیراهه رفته و بی‌گناهی را از حقوقی محروم نمایند یا مجازاتی را که در نظر می‌گیرند متناسب با تخلف صورت گرفته نباشد؛ قطعاً این موارد نقض حقوق شهروندی خواهد بود.

در توضیح این مطلب باید گفت، آیین رسیدگی به تخلفات که در دستورالعملی با همین عنوان وضع شده است اگرچه به بعضی موارد ضروری رسیدگی از قبیل مراجع رسیدگی، دعوت از متهمین، مراجع صدور آراء و محتوای رأی، طرق تجدیدنظر از آراء و... اشاره نموده است، اما به همه آن موارد که لازمه اجرای عدالت و تضمین حقوق اشخاص فعال در بازار سرمایه می‌باشد، نپرداخته است. برای نمونه می‌توان به مقررات مربوط به تعدد و تکرار جرم، تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات، اعاده رسیدگی، مجازات‌های تبعی، نحوه ابلاغ و اجرای آراء صادره و... اشاره کرد که اثری از آن در این مقررات وجود ندارد و تصمیم‌گیری در تمام این موارد از اختیارات مطلق مراجع رسیدگی است که ممکن است در موارد مشابه و با توجه به تفاوت اشخاص رسیدگی‌کننده، احکام مختلفی صادر شود.

مسئله دیگری که اصلاح آن ضروری به نظر می‌رسد، مربوط به ماهیت و محتوای تخلفات و مجازات‌ها می‌باشد. بدیهی است از مسلمات حقوق اشخاص این است که بدانند چه مواردی از نظر حاکمیت (به معنای اعم) ناهنجاری و تعرض به حقوق دیگران محسوب می‌شود و مشمول مجازات می‌گردد، تا از ارتکاب آن اجتناب ورزند، به تعبیر دیگر عقوبت و مجازات افراد بدون بیان موارد ممنوعه، خلاف حقوق شهروندی است که از آن به «قیح عقاب بلا بیان» تعبیر می‌شود. به زبان حقوقی، عنصر قانونی مجازات

باید وجود داشته باشد. در مقررات بازار سرمایه اگرچه سعی شده است به این اصل مسلم عمل شود اما سه اشکال عمده وجود دارد:

- ✓ اولاً تخصصی بودن فعالیت در این بازار از یک سو و کثرت و پراکندگی تخلفات و مجازات‌ها در مقررات (اعم از قوانین، آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها) از سوی دیگر، آگاهی اشخاص نسبت به ناهنجاری‌ها را با دشواری زیادی مواجه کرده که به جرأت می‌توان گفت در بعضی موارد اطلاع یافتن از همه این مقررات از قدرت شخص معقول و عادی خارج بوده یا لاقلاً متعسر است.
- ✓ ثانیاً طیفی بودن برخی مجازات‌ها در مقررات و عدم تصریح به نحوه تعیین آن، می‌تواند منجر به تبعیض گردد. برای مثال مجازات‌هایی از قبیل جریمه نقدی از بیست و پنج میلیون ریال تا دو میلیارد و پانصد میلیون ریال، سلب صلاحیت از مدیریت از یک روز تا سلب صلاحیت دائم، محرومیت نهادهای مالی از انجام معاملات از یک روز تا یکسال و... همه از مواردی است که تعیین آن بستگی به نظر رسیدگی‌کننده دارد و ممکن است در موارد مشابه و به دلیل فقدان ضابطه‌ای مشخص، در موارد مشابه، احکام بسیار مختلفی صادر گردد.
- ✓ ثالثاً استفاده از برخی عبارات در مقررات انضباطی که تفسیربردار بوده و از نظر مفهومی ابهام داشته و به قضاوت افراد بستگی دارد می‌تواند حقوق اشخاص را با مخاطراتی همراه سازد. برای شفاف شدن موضوع به این مثال توجه کنید: در بند (۵) ماده (۶) دستورالعمل انضباطی کارگزاران «عدم رعایت اولویت یا انصاف در اجرای سفارش خرید و فروش مشتریان یا تخصیص اوراق بهادار در عرضه‌های اولیه» یک تخلف محسوب شده است، در این دستورالعمل و سیر دستورالعمل‌ها به تعریف «انصاف» اشاره نشده است. در یک پرونده با موضوع «تخصیص غیرمنصفانه عرضه اولیه به مشتریان» بیش از ۱۵ کارگزاری به استناد همین بند به مجازات‌های مختلفی محکوم گردیدند. کلیه محکومین به مشخص نبودن تفسیر «انصاف» اعتراض داشتند و تخصیص‌های واقع شده را بنابر دیدگاه خودشان منصفانه تلقی می‌کردند در حالی که نهاد نظارتی، انصاف را به تساوی تفسیر می‌کرد

و معتقد بود به هریک از مشتریان می‌بایست تعداد یکسانی از عرضه اولیه اختصاص یابد.

۳-۵. ضمانت اجرای کیفری

فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، به جرائم و مجازات‌ها اختصاص یافته است. در این فصل، عناوین مجرمانه مرتبط با بازار سرمایه و مجازات قانونی آن مشخص شده است. به نظر می‌رسد می‌توان جرائم احصاء شده در قانون مذکور را به هفت دسته تقسیم کرد:

۱. جرائم مرتبط با اطلاعات نهانی؛
۲. جرم دستکاری بازار؛
۳. انتشار آگهی یا اعلامیه پذیره‌نویسی بدون مجوز از سازمان؛
۴. عدم ارائه اطلاعات، اسناد یا مدارک مهم به سازمان؛
۵. تخلف از مقررات در تهیه، بررسی، اظهار نظر و تصدیق اسناد و مدارک جهت ارائه به سازمان؛
۶. سوءاستفاده از اطلاعات، اسناد، مدارک یا گزارش‌های خلاف واقع مربوط به اوراق بهادار؛
۷. مبادرت به فعالیت‌های مستلزم اخذ مجوز بدون مجوز از سازمان یا معرفی خود تحت آن عناوین (میرزایی منفرد، ۱۳۸۹، صص. ۶۹-۲۴۹)؛

مطابق ماده (۵۲) این قانون، سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است مستندات و مدارک مربوط به جرائم موضوع قانون مذکور را گردآوری کرده و به مراجع قضایی ذیصلاح اعلام نموده و حسب مورد موضوع را به‌عنوان شاکی پیگیری نماید. ملاحظه می‌شود که تمام عناوین مجرمانه موجود در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار، دارای جنبه عمومی بوده و ارتکاب هرکدام از این موارد موجبات ضرر به عموم مردم و سرمایه‌گذاران را فراهم می‌آورد.

۴-۵. گزارشی از عملکرد سازمان بورس در اجرای حقوق شهروندی

سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای اجرای حقوق شهروندی، غیر از اقداماتی از قبیل ایجاد «اداره رسیدگی به شکایات و حمایت‌های حقوقی» و «اداره پیشگیری و ارتقای سلامت بازار»، درگاه اینترنتی تحت‌عنوان «حمایت از حقوق شهروندی» را ایجاد نموده است. در معرفی این درگاه، مواردی از قبیل برقراری عدالت در معاملات اوراق بهادار، شفافیت اطلاعات بازار سرمایه، رسیدگی به تخلفات و شکایات، انجام حمایت‌های حقوقی، کشف و برخورد با ناهنجاری‌ها، آموزش و ارائه اطلاعات لازم از جمله وظایف سازمان در اجرای حقوق شهروندی شمرده شده است. به نظر می‌رسد مصادیق مذکور را می‌توان در دو بخش «تقارن و شفافیت اطلاعاتی» و «حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران» دسته‌بندی کرد که پیشتر به بیان آن پرداختیم. اما درخصوص استفاده از ابزارها و ضمانت‌اجراهایی که سازمان بورس و اوراق بهادار برای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران در اختیار دارد به سه بخش باید اشاره کرد:

۱. مسئولیت مدنی: دعاوی متعددی تحت‌عنوان مطالبه خسارت و جبران ضرر و زیان در هیأت داورى بورس و اوراق بهادار مطرح و منجر به صدور رأی شده است که غالباً منشاء قراردادی دارند (جمالی و صادقی، ۱۳۹۶، صص. ۱۴۴-۲۰۴)، اما درخصوص دعاوی مسئولیت مدنی موضوع ماده ۴۳ قانون بازار اوراق بهادار، تاکنون پرونده‌ای با خواسته مذکور طرح نشده است.
۲. مسئولیت انضباطی: مدیریت پیگیری تخلفات سازمان بورس و اوراق بهادار، تاکنون بیش از ۲۵۰۰ رأی انضباطی اعم از پیشنهادی، بدوی و قطعی صادر و ابلاغ نموده است. محکوم علیه آراء مذکور، اشخاص تحت نظارت سازمان اعم از حقیقی (مدیران و کارکنان شرکت‌ها) و حقوقی (ناشران و نهادهای مالی) می‌باشد. موضوع این آراء، نقض مقررات بازار سرمایه از جمله تأخیر یا عدم افشای اطلاعات توسط ناشران، استفاده از اطلاعات نهانی، سفارش چینی گسترده و غیرمتناسب با عرضه و تقاضای بازار و... بوده است.
۳. مسئولیت کیفری: سازمان بورس و اوراق بهادار، در اجرای ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار، پرونده‌های متعددی را در دادسرا جهت برخورد کیفری طرح نموده

است. موضوع شکایات سازمان، جرائم فصل ششم قانون بازار از جمله دست‌کاری بازار، انجام معامله متکی بر اطلاعات نهانی، تأخیر یا عدم‌افشای به موقع اطلاعات بوده است که در مواردی منجر به صدور رأی قطعی محکومیت مشتکی عنه شده است.

از جمله پرونده‌هایی که اخیراً مطرح و منجر به صدور آراء انضباطی متعدد و شکایت در مرجع کیفری شده است پرونده شرکت کنتورسازی است که چندین رأی انضباطی با موضوع «خودداری از ارائه اطلاعات مهم به سازمان بورس و اوراق بهادار» و «خودداری از ارائه اطلاعات درخواست شده سازمان بورس و اوراق بهادار» بر علیه شرکت و مدیران آن صادر شده و همچنین مدیران آن به اتهام «خودداری از ارائه اطلاعات»، «بی‌توجهی به رعایت ماده (۱۶) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی»، «ارائه اطلاعات خلاف واقع به سازمان بورس و اوراق بهادار» و «تخلف در تهیه صورت‌های مالی» با شکایت سازمان بورس و اوراق بهادار تحت تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی در معاملات اوراق بهادار، جلوه‌های گوناگونی دارد. از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به برقراری عدالت در معاملات اوراق بهادار، شفافیت اطلاعات بازار سرمایه، رسیدگی به تخلفات و شکایات، انجام حمایت‌های حقوقی، کشف و برخورد با ناهنجاری‌ها، آموزش و ارائه اطلاعات لازم اشاره کرد. موارد مذکور را می‌توان تحت دو عنوان «تقارن و شفافیت اطلاعاتی» و «حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران» دسته‌بندی کرد. شفافیت اطلاعاتی و دسترسی یکسان سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت‌ها از اهمیت ویژه‌ای در معاملات اوراق بهادار برخوردار است به گونه‌ای که مبنای تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان در بازارهای اوراق بهادار، اطلاعاتی است که توسط بورس‌ها، ناشران اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس و واسطه‌های فعال در این بازارها منتشر می‌شود. بهره‌گیری از این اطلاعات و به‌عبارتی تصمیم‌گیری صحیح در بازار اوراق بهادار زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات مزبور به‌موقع، مربوط، با اهمیت و نیز کامل و قابل فهم باشد. سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان ناظر بازار سرمایه با تدوین مقررات لازم در

این خصوص، اشخاص تحت نظارت و از جمله ناشران را مکلف به افشای به موقع اطلاعات کرده است. از دیگر مصادیق حقوق شهروندی، حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران است که در قالب پیشگیری از وقوع تخلفات و جرائم، رسیدگی به شکایات و رسیدگی به دعاوی حقوقی ظهور یافته است. اگرچه سازمان بورس و اوراق بهادار با تشکیل «اداره پیشگیری و ارتقای سلامت بازار سرمایه»، «اداره رسیدگی به شکایات و حمایت‌های حقوقی» و «دبیرخانه هیأت داور» سعی در اجرایی نمودن تکالیف خود در این زمینه نموده است. اما فقدان سازوکار مدون جهت پیشگیری از تخلفات و رسیدگی به شکایات و نبود اختیارات کافی در مواجهه با تضییع حقوق سرمایه‌گذاران و همچنین اشکالات و نواقص مربوط به رسیدگی به دعاوی حقوقی در هیأت داور، تدوین مقررات جدید و بازنگری در قوانین و مقررات فعلی را ضروری ساخته است.

در زمینه ضمانت اجرای رعایت حقوق شهروندی در معاملات اوراق بهادار، قوانین و مقررات قابل توجهی وجود دارد که تاحدودی برای سرمایه‌گذاران، امنیت خاطر را فراهم ساخته است. به‌طور نمونه به ماده (۴۳) قانون بازار اوراق بهادار می‌توان اشاره کرد که اشخاص دخیل در ایراد خسارت به سرمایه‌گذاران در عرضه‌های اولیه را مسئول جبران ضرر و زیان دانسته است. همچنین مقررات مختلف راجع به رسیدگی به تخلفات فعالان بازار سرمایه، موید تلاش مسئولان سازمان بورس برای دستیابی به بازاری کارا و شفاف می‌باشد. از طرفی قانون‌گذار نیز با جرم‌انگاری برخی اقدامات، سعی در ایمن نگه‌داشتن بازار سرمایه از فرصت‌طلبان و سوءاستفاده‌کنندگان داشته است. اما باید توجه داشت موارد مذکور نافی اشکالات و نواقص موجود، نمی‌باشد. برای مثال، نقص مقررات راجع به رسیدگی به تخلفات و واگذاری تصمیم‌گیری در مواجهه با موارد سکوت به مرجع رسیدگی کننده، می‌تواند حقوق متهمین به تخلف را در معرض تضییع قرار دهد. بنابراین به‌نظر می‌رسد بازنگری در مقررات بازار سرمایه در جهت رعایت حقوق شهروندی سرمایه‌گذاران در معاملات اوراق بهادار، امری ضروری است.

یادداشت‌ها

1. "Any Major New Developments in its Sphere of Activity Which are not Public Knowledge and Which May, by Virtue of Their Effect on its Assets and

Liabilities or Financial Position or on the General Course of its Business, Lead to Substantial Movements in the Prices of its Shares”.

2. [http:// www.seo.ir](http://www.seo.ir)

کتابنامه

- ابراهیمی سالاری، تقی و صالح‌نیا، نفیسه (۱۳۹۴). بازار اسلامی و مسأله عدم تقارن اطلاعات. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۳۸۹-۴۱۱.
- ابن اخوه، محمد بن محمد (بی‌تا). *معالم القریه فی أحكام الحسبه* (محمد محمودشعبان و صدیق‌احمد عیسی مطیعی، محققین). قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- جمالی، جعفر، و صادقی، محمد (۱۳۹۶). *رویه هیأت داوری بورس و اوراق بهادار*. تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲). *وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه* (عبدالرحیم ربانی شیرازی، ویراستار). تهران: اسلامیة.
- رجایی، سید محمد کاظم (۱۳۸۶). *تقاضای بازار اسلامی در مقایسه با بازار رقابت کامل*. *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، ۴(۸)، ۶۶-۱۰۰.
- رضایی دوانی، مجید (۱۳۸۴). آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار. *دوفصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۵)، ۶۳-۸۸.
- رضایی دوانی، مجید (۱۳۸۳- الف). جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد. *دوفصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۴(۴)، ۳۷-۶۲.
- رضایی دوانی، مجید (۱۳۸۳- ب). کار و دین. تهران: کانون اندیشه جوان.
- رضایی دوانی، مجید (بی‌تا). *مالیات‌های حکومتی: مشروعیت یا عدم مشروعیت*. نامه مفید، ۱۰(۳۵)، ۱۵۶-۱۲۸.
- سلطانی، محمد (۱۳۹۲). *صلاحیت هیأت داوری موضوع قانون بازار اوراق بهادار*. تحقیقات حقوقی، ۲۹(۶۳)، ۲۷۵-۳۰۶.
- سلطانی، محمد (۱۳۹۶). *حقوق بازار سرمایه*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها-۵.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (بی‌تا). *نهج‌البلاغه* (علی محمد علی دخیل، ویراستار) (جلد ۱). بیروت: دارالمرتضی.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۵). *آئین دادرسی مدنی* (جلد ۱). تهران: دراک.

- صادقی مقدم، محمدحسن، و نوروزی، محمد (۱۳۹۰). نقد و بررسی نظام افشای اطلاعات در بورس ایران. *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۱۸(۴۱)، ۱۳۱-۱۵۰.
- صفاریان، مریم. (۱۳۸۱). سیاست‌ها و الزام‌های افشای اطلاعات در بازار سرمایه ایران. *فصلنامه بورس*، ۳۴(۱)، ۱۷-۲۳.
- صفایی، سیدحسین؛ و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- عباسی، فرهاد (۱۳۹۲). درآمدی بر مفهوم، مبانی و انواع حقوق شهروندی در اسلام. *اندیشمندان حقوق*، ۵(۲)، ۴۵-۷۲.
- عبدالمنان، محمد (۱۳۸۶). *فهم تأمین مالی اسلامی* (کامران ندیری، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- فقهی کاشانی، محمد (۱۳۸۶). *تکمیل نهادهای مالی در کشور*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- قریشی، علی‌اکبر (بی‌تا). *قاموس القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی* (علی‌اکبر غفاری، ویراستار) (جلد ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال* (بکری حیانی و صفوه سقا، ویراستاران) (جلد ۱). بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی‌تا). *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ معین* (ویرایش ۶). تهران: امیرکبیر.
- منتظری، حسینعلی (بی‌تا). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه* (جلد ۱). قم: تفکر.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *تحریرالوسیله* (جلد ۱). قم: دارالعلم.
- میرزایی منفرد، غلامعلی (۱۳۸۹). *حقوق کیفری بازار اوراق بهادار*. تهران: میزان.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۸). *نظام اقتصادی اسلام*. تهران: کانون نشر جوان.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۶). *تکالیف سازمان بورس و اوراق بهادار در زمینه پیشگیری از جرم*. راهبرد، ۸۲(۲۶)، ۳۲۷-۳۵۶.

B.curtis, E., (2002). Diane F. Eaton and Douglas W.Allen, *Microeconomics*, Fifth Edition. Prentice Hall.